فصلنامه علمی ـ پژوهشی اندیشه نوین دینی
سال ۸، پائیز ۱۳۹۱، ش ۳۰
صفحات ۱۰۰ ـ ۸۷

ANDISHE-E-NOVIN-E-DINI
A Quarterly Research Journal
Vol. 8, Autumn 2012, No. 30

چیستی روح‌القدس و آثار آن

محمود قیوم‌زاده*
محمدتقی شاکر اشتیجه**

چکیده

«روح‌القدس» ازجمله واژگانی است که در قرآن کریم به‌کار رفته است و روایات اسلامی، مطالب انبوهی درباره آن گزارش کرده‌اند. با این وصف، زوایای مهمی از این مسئله پنهان بوده، نیاز به توضیح و تبیین دارد. روح‌القدس با برخی اعتقادها تلاقی دارد و آشکار شدن اضلاع مختلف آن در باورهای دینی و مذهبی تأثیر بسزایی خواهد داشت. همچنین بررسی نسبت روح‌القدس با دیگر کاربردهای قرآنی و روایی «روح» نیاز به تحقیق دارد.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از منابع دینی و با تجزیه و تحلیل داده‌های مطالعاتی، به بررسی حقیقت روح‌القدس، نسبت آن با ملائکه به‌ویژه جبرئیل، چگونگی وجود آن برای افراد و گروه‌های مختلف، ازجمله پیامبران و امامان و نیز نقش آن در «علم امام» پرداخته است.

واژگان کلیدی

روح، روح‌القدس، ملائکه، جبرئیل، پیامبر، امام.

طرح مسئله

پیامبران و امامان معصوم دارای ویژگی‌های خاصی ازجمله عصمت و علم غیب هستند. بهره‌مندی آنها از این مواهب، نشان از عنایات خاص الهی به ایشان است و چگونگی این بهره‌مندی از دغدغه‌های متکلمان بوده است. یکی از این امتیازها تأیید آنها با «روح‌القدس» است که علی‌رغم ذکر آن در آیات و روایات فراوان،

*. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، گروه معارف اسلامی، ساوه، ایران. maarefteacher@yahoo.com
**. کارشناس ارشد علوم حدیث گرایش کلام. mt.shaker@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۱/۲/۲۰

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]
[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.6.2]

زوایایی از آن مجهول و مبهم باقی مانده است. «روح‌القدس» چه نسبتی با روح به‌صورت مطلق و سایر کاربردهای قرآنی دارد و مراد از آن چیست؟ آیا ارتباطی بین آن و جبرئیل متصور است؟ در صورت ارتباط، آیا بین آنها ترادف و تلازم است یا ارتباط دیگری وجود دارد؟ به‌علاوه اینکه، چه ارتباطی بین روح‌القدس و انسان‌های تأیید شده الهی مانند پیامبران و امامان وجود دارد و آنها چگونه از روح‌القدس بهره‌مندند؟ براساس روایات، روح‌القدس از منابع و مجاری علم امام معرفی شده و سرچشمه آن است و لازمه تحقق و تبلور آگاهی و ایجاد علم برای امام می‌باشد؛ گرچه نقش آن در عصمت پیامبر و امام را هم در همین ارتباط می‌توان یافت.

واژه‌شناسی

کلمه روح علاوه بر قرآن در کتاب‌های مقدسی مانند تورات و انجیل به همین لفظ به‌کار رفته است و در هر کاربردی، مفهوم ویژه خود را دارد. بنابراین برای جلوگیری از خطا در کاربردها و مفاهیم، بهتر است که این واژه به‌لحاظ لغوی و اصطلاحی بررسی شود.

۱. معنای لغوی

معجم مقائیس اللغة، اصل روح و مشابهات آن را «ریح» دانسته که در اصل «رِوح» بوده و «واو» به‌دلیل کسره ماقبل به «یاء» تبدیل شده است. (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۲ / ۴۵۴) چنان‌که در روایتی آمده است: «انّما سمّي روحاً لانّه اشتق اسمه من الریح.» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۱۳۳)

برخی قدر مشترک معانی این کلمه و مشتقات آن را «جریان هوا» دانسته‌اند. روح نیز حاصل یک امری است که جریان می‌یابد و گاهی در جریان مادی به‌کار می‌رود و گاه در جریان معنوی. با دقت در موارد کاربردی این کلمه، همین معنا قابل دفاع است و برخی بر این معنا صحه گذاشته‌اند. (طباطبایی، ۱۳۷۲: ۱۹ / ۹۷) لغویان در بیان معنای روح بیشتر به کاربردهای قرآنی و حدیثی آن پرداخته و معنای لغوی خاصی ارائه ننموده‌اند. (بنگرید به: فیروزآبادی، ۱۴۲۹: ۵۳۹؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۰: ۲ / ۴۵۶ ـ ۴۵۵)

کلمه قدس به‌معنای پاکی و قداست می‌باشد و ترکیب روح‌القدس، اضافه موصوف به صفت است، به‌معنای «الروح القدس»؛ روحی که مرتبه‌ای خاص از روح است و وظیفه‌ای منحصربه‌فرد برعهده دارد و به‌معنای روحی می‌باشد که دارای قداست و طهارت است. روح یعنی خود آنچه از تجلّی و جریان، ظاهر و حاصل می‌گردد و روح قدس معنای مخصوصی است که در مورد طهارت و خلوص روح استعمال می‌شود و این معنا اخص است.

۲. معنای اصطلاحی

واژه روح ۲۱ بار در قرآن کریم به‌کار رفته که گاهی به‌صورت مقید و مضاف و گاهی بدون اضافه و قید است. همچنین این واژه در روایات فراوانی به‌کار رفته است. به‌علاوه در کتاب مقدس نیز در معنای خاصی به‌کار

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.6.2]

رفته است. واژه روح نزدیک به ۴۰۰ مورد در عهد قدیم و واژه‌هایی چون روح، روح‌الله، روح‌الرّب، روح‌الاب، روح یسوع، روح‌المسیح و روح‌القدس در عهد جدید استعمال شده است. (حبیب و دیگران، ۱۹۹۰: ۴ / ۱۴۴) گاه نیز در عهدین به‌عنوان «اساس حیات انسان» و گاه «نیروی حیات» آمده (همان) و گاهی مترادف با «نفس انسان» و یا «عامل حیات» در جهان و انسان معرفی شده است. (همان) برخی معتقدند استعمال روح در معنای مجازی به حدی است که: «غالباً لفظ روح در کتاب مقدس به طریق مجاز وارد گشته و معنای آن به قراین معلوم می‌شود.» (هاکس، ۱۳۷۷: ۴۲۴)

روح در آیاتی از قرآن در کنار فرشتگان ذکر شده که به‌ظاهر نشان‌دهنده آن است که آفریده خدا، غیر از فرشتگان است. (قدر / ۴؛ معارج / ۴؛ نبأ / ۳۸) گاهی از جبرئیل به لفظ روح یاد شده (شعراء / ۱۹۳؛ نحل / ۱۰۲) و گاهی به‌معنای مرتبه‌ای از وجود در پیکر انسان به‌کار رفته که همان نفخهٔ الهی و روح مشترک انسان‌هاست. (انبیاء / ۹۱؛ سجده / ۹؛ حجر / ۲۹؛ ص / ۷۲) در آیاتی نیز روح موجودی است که در قلوب پیامبران و اولیا نقش‌زنی می‌کند. (بقره / ۸۷ و ۲۵۳؛ مائده / ۱۱۰؛ مجادله / ۲۲) البته گاهی هم روح در قرآن به‌معنای وحی به‌کار رفته است. (شوری / ۵۲؛ غافر / ۱۵) در برخی موارد خداوند، عیسی را روحی ازجانب خود دانسته است. (نساء / ۱۷۱)

گونه‌های فراوان و ابهام‌زای این واژه در متون اسلامی به‌گونه‌ای است که مفسران قرآن هم برای روح معانی گوناگونی قائل‌اند. از منظر مفسران، روح در قرآن در این معانی به‌کار رفته: روح انسان و جانوران، وحی، قرآن، جبرئیل، عیسی﵇، فرشته‌ای بزرگ که به‌صورت جدا از فرشتگان در قیامت می‌ایستد، رحمت، حیات نفس و ارشادکننده انسان‌ها به دین، ملکی از ملائکه الهی، نبوت و نفخ. (طوسی، ۱۴۱۹: ۶ / ۳۵۹؛ رازی، ۱۴۰۸: ۲ / ۵۱ ـ۵۰؛ مفید، ۱۴۱۴: ۴۷۸)

به‌هرحال، روح از چیزهایی است که خدا آن را به امر خود ایجاد نموده است؛ چراکه اشیا دو گونه‌اند: نوع اول، آنچه خدا ازطریق اسباب طبیعی آن ایجاد می‌کند، مانند جسم انسان و همهٔ مادیات؛ قسم دوم، اشیایی که او تنها با امر خود ایجاد می‌نماید و آن کلمه «کن» می‌باشد. روح از این قسم است؛ زیرا کلمهٔ «امر» در آیهٔ «قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» (اسراء / ۸۵) اشاره به امری دارد که در آیه «إِنَّما أَمْرُهُ إِذا أَرادَ شَيْئاً أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس / ۸۲) بیان شده است. (مغنیه، ۱۹۹۰: ۵ / ۷۹)

یکی از کاربردهای واژهٔ روح به‌صورت مضاف در «روح‌القدس» است که سؤالات بی‌شماری درباره چیستی و چگونگی ارتباط آن با ویژگی‌های منحصربه‌فرد پیامبر و امام وجود دارد.

چیستی «روح‌القدس»

به‌اعتقاد نویسندهٔ کتاب ***قاموس کتاب مقدس*** تعالیم کتاب مقدس در این خصوص گوناگون و فراوان است. برخی آن را اقنوم سوم از اقالیم سه‌گانه می‌دانند. ازآنجاکه مخترع حیات است، آن را روح می‌گویند و چون

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.6.2]

قلوب مؤمنـان را تقـدیس مـی‌کنـد، آن را مقـدس مـی‌خواننـد؛ (هـاکس، ۱۳۷۷: ۴۲۴) امـا روح‌القـدس کـه تسلی‌دهنده ماست، (بنگرید به: انجیل یوحنا ۱۴ / ۱۶؛ ۱۶ / ۸ ـ ۷) همان است که همواره ما را برای قبولی و درک هستی، ایمان و اطاعت ترغیب می‌فرماید و اوست که اشخاصی را که در خطـا مـرده‌انـد، زنـده کـرده و ایشان را پاک و منزّه ساخته، لایق تمجیـد حضـرت حـق مـی‌فرمایـد. (رسـاله رومیـان ۵ / ۵؛ ۸ / ۲۶) پـس روح‌القدس آنان را که از آن مسیح‌اند، جذب می‌نماید و همواره مسیح را بـه مـا مـی‌نمایانـد و عقـول را منـوّر ساخته، خون مسیح را در قلوب می‌پاشد.

کتاب مقدس درباره روح‌القدس و الوهیت به کمال تعلیم مـی‌دهـد. (همـان) ایـن کتـاب دربـاره حقیقـت روح‌القدس، رازآلود و ابهام‌آفرین سخن گفته است.

در استعمال اسلامی و قرآنی، روح‌القدس بر جبرئیل و حتی سایر ملائکه اطلاق شده و انبیا نیز بهره‌مند از آن دانسته شده‌اند. ترکیب روح‌القدس در چهار آیهٔ قرآن ذکر شده است که عبارتند از: آیـات ۸۷ و ۲۵۳ بقـره، آیهٔ ۱۱۰ مائده و آیهٔ ۱۰۲ نحل؛ تنها آیه‌ای کـه در آن اختلافـی میـان مفسـران در تفسـیر و تبیـین مصـداق روح‌القدس وجود ندارد، آیهٔ آخر است. در بقیهٔ آیات که رابطـهٔ عیسـی﵇ و روح‌القـدس در آنهـا بیـان شـده، اختلاف گسترده‌ای وجود دارد. گروهی روح‌القدس را جبرئیل می‌دانند؛ همان‌گونه که او روح‌الامین هم خوانده شده است. (بنگرید به: قمی، ۱۳۶۷: ۱ / ۳۹۰؛ لاهیجـی، ۱۳۷۳: ۱ / ۸۰ ؛ آلوسـی، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۰۶؛ طوسـی، ۱۴۱۹: ۱ / ۳۴۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۵۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۳۲۱؛ رازی، ۱۴۲۰: ۳ / ۹۵۹؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۳ / ۸۶ ؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۳ / ۴۵۵) گروهی دیگر از مفسران معتقدند از ترکیب روح و قـدس، معنای خاصی اراده شده است که این گروه خود سه دسته‌اند؛ عده‌ای روح را همان روح و مراد از قـدس را الله می‌دانند که ترکیب آن روح‌الله می‌شود. آنها مقصود از روح‌الله را عیسی دانسته‌اند و یا اضـافه الله بـه روح را ـ که به‌معنای روح عیسی می‌گیرند ـ به‌جهت تخصیص مـی‌داننـد. (بنگریـد بـه: طبرسـی، ۱۳۷۲: ۲۵۰؛ قمـی، ۱۳۶۷: ۲ / ۷۷؛ رازی، ۱۴۰۸: ۲ / ۵۰؛ رازی، ۱۴۲۰: ۵۹۵)

گروهی هرکدام از روح و قدس را به‌معنای خود یا قدس را به‌معنای الله دانسته و مقصود از ترکیب آن دو را انجیل ـ که مایه حیات دین و دمنده روح و زندگی در انسان است ـ دانسته‌اند. (بنگرید بـه: طوسـی، ۱۴۱۹: ۱ / ۳۴۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۵۰؛ رازی، ۱۴۲۰) عده‌ای دیگر، ترکیب روح‌القـدس را اسـمی از برتـرین اسـامی خداوند یا همان اسم اعظم دانسته‌اند که با خواندن آن مرده زنـده مـی‌گـردد. (بنگریـد بـه: رازی، ۱۴۰۸: ۵۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۲۰) برخی روح‌القدس را مرتبه‌ای از حقیقت واحد روح که خلقی از مخلوقـات الهـی اسـت، می‌دانند؛ ایشان روح را دارای مراتبی شامل روح حیـوان، انسـان‌هـای غیرمـؤمن و مـؤمن و روح‌هـای دیگـر مـی‌شـمارند. (طباطبـایی، ۱۴۱۷: ۱۲ / ۲۰۷؛ ۶ / ۲۲۰) عـده‌ای هـم روح‌القـدس را روح پـاک و مخصـوص مسیح﵇ می‌دانند. (بنگرید به: مغنیه، ۱۹۹۰: ۱ / ۱۴۸؛ رازی، ۱۴۰۸: ۲ / ۵۱؛ رازی، ۱۴۲۰: ۳ / ۵۹۶) برخـی

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.6.2]

نیز مراد از روح‌القدس را کلامی می‌دانند که عیسی با آن دین را احیا کرد. (بنگرید به: قمی، ۱۳۶۷: ۴ / ۲۵۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۶۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۶۹۱)

در روایات نیز با برشماری پنج روح برای انسان، آنها را با توجه به آیه «و کنتم ازواجاً ثلاثة» (واقعه / ۷) به سه گروه تقسیم نموده‌اند. محور تقسیم‌بندی در این روایات، جسم انسان‌ها نیست؛ بلکه روح و نفس انسان، موضوع شمول یا نقصانی است که انواع فراوانی را به‌دنبال می‌آورد. این پنج روح شامل، روح حیات یا بدن، روح قوت و توانایی، روح شهوت یا اشتها، روح ایمان و روح‌القدس می‌باشد.

سه عنوان از آنها مشترک میان همه انسان‌ها در هر سه گروه می‌باشد؛ گرچه شیوه برخورد و تقابل و استفاده از این نیروها و توانایی برای گروه‌های مختلف با توجه به بهره‌مندی از مراحل متعالی روحی یا نقصان مراحل بالاتر یکسان نمی‌باشد. طبق روایات، سه مرحله ابتدایی و پایینی مراحل روح انسان در صورت عدم تکمیل و تطهیر به‌وسیله مراحل بالاتر، انسان را ازمنظر رفتاری و اثرگذاری شبیه حیوانات و بلکه با توجه به امکان تکامل روحی، پست‌تر از آنها می‌نماید.

نسبت روح‌القدس با ملک

از باورهای ناصحیح درباره روح‌القدس، ملک انگاشتن آن است. ریشه این دیدگاه را می‌توان از جهتی، روایاتی دانست که به موضوع علم امام و مجاری آن پرداخته‌اند. در این روایات موضوع روح‌القدس با علم امام پیوند خورده است. به‌همین دلیل، این تصور ایجاد شده که روح‌القدس از ملائکه‌ای است که واسطهٔ آگاهی امام از علم الهی را فراهم می‌کند.

ازسوی‌دیگر، آیات و روایاتی وجود دارد که در آنها از جبرئیل به روح‌القدس تعبیر شده است. (قمی، ۱۳۶۷: ۱ / ۳۹۰) بیشتر مفسران مراد از روح‌القدس را با توجه به آیهٔ «قُلْ مَنْ كانَ عَدُوًّا لِجِبْريلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللّهِ مُصَدِّقًا لِما بَيْنَ يَدَيْهِ وَ هُدًى وَ بُشْرى لِلْمُؤْمِنينَ» (بقره / ۹۷) جبرئیل می‌دانند. (لاهیجی، ۱۳۷۳: ۲ / ۷۵۴؛ قمی، ۱۳۶۷: ۱ / ۳۹۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۳ / ۱۵۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۵۹؛ طوسی، ۱۴۱۹: ۶ / ۴۲۶؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۳ / ۴۵۵؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۳ / ۸۶؛ رازی، ۱۴۰۸: ۱۲ / ۹۷؛ همان؛ ۲ / ۵۸۴؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲ / ۲۷۰)

هرچند این شواهد، گویای همسانی روح‌القدس با ملک یا جبرئیل است، توجه به مجموعه آیات و روایات ثابت می‌کند تفسیر روح‌القدس به ملک یا جبرئیل به‌تنهایی، استعمال لفظ در جزء خاص یا اخص آن می‌باشد. ملک‌انگاری روح‌القدس یا اعتقاد به ترادف و تساوی آن با جبرئیل، با روایاتی که در آنها به ارتباط روح‌القدس با پیامبر یا امام اشاره شده است، منافاتی ندارد. دلائلی بر این ادعا وجود دارد که عبارتند از:

۱. تعبیر روایات به ثابت بودن روح‌القدس (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۵ / ۲۷؛ صفار، ۱۴۰۴: ۴۵۴) ارتباط دائمی آن برای انبیا و اولیای خاص الهی را بیان می‌کند که این ثبوت با تعبیر جبرئیل یا ملکی از ملائکه بزرگ هماهنگی ندارد؛ چراکه طبق نقل سیره و روایات، ارتباط با جبرئیل یا ملائکه به‌صورت دائمی برای انبیا

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.6.2]

حاصل نبوده است: «لا یفارقهم روح‌القدس و لا یفارقونه.» (صدوق، ۱۴۰۱: ۱ / ۱۲۳)

۲. با فوت پیامبر، روح‌القدسِ ایشان به جانشین و امام پس از او انتقال می‌یابد: «فإذا قبض النبيﷺ انتقل روح القدس فصار في الإمام.» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۲۷۲؛ صفار، ۱۴۰۴: ۴۵۴) این دلیلی بر تمایز روح‌القدس با ملک است. تعبیر انتقال به‌جای ارتباط و نزول در این روایات با تفسیر روح‌القدس به ملک مناسب نمی‌باشد؛ بلکه مؤیدی بر این مطلب است که روح‌القدس شأن و مقامی بلند دارد و با مقام ولایت و خلافت الهی پیوسته است.

۳. درباره پیوند آن با انبیا آمده است که: «فبروح القدس بعثوا أنبیاءَ مرسلین و غیر مرسلین و بها علموا الأشیاء.» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۲۸۱؛ حرّانی، ۱۳۶۳: ۱۸۸؛ صفار، ۱۴۰۴: ۴۷۷) در این جمله، علم انبیا به‌صورت مطلق به روح‌القدس نسبت داده شده است؛ چنان‌که رسیدن به مقام نبوت نیز به‌واسطهٔ بهره‌مندی از روح‌القدس بیان شده است. دو مطلب مذکور و کلیت آن، مانع از پذیرش ادعای ملک بودن روح‌القدس می‌گردد؛ چراکه علت بعثت و علم انبیا، روح بلند و منزلت الهی ایشان بوده و این امر سبب نزول ملائکه بر ایشان بوده است.

۴. روایاتِ بیانگر خصوصیاتِ روح‌القدسی که با انبیا و اوصیا همراه است، در مقام بیان مقایسه بین روح انسان‌های عادی با روح انبیا و اولیا و تفاوت آنها و مراتبِ منزلتی روح می‌باشد. روح‌القدسی که همراه ایشان است ـ به‌خلاف مراتب پایین‌تر روحی ـ دچار عوارض دنیایی نمی‌شود و انسانِ بهره‌مند از آن را در مسیر غفلت یا خطا قرار نمی‌دهد. (کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۲۸۱؛ حرّانی، ۱۳۶۳: ۱۸۸؛ صفار، ۱۴۰۴: ۴۴۹) به‌تعبیر دیگر، این دسته از روایات بیانگر درجات پایین تا اعلای روح می‌باشد که وجه مشترک پنج موردی که در این روایات به آن اشاره شده، روح دانسته شده است که با اضافه گشتن صفتی به آن از شهوت یا ایمان یا قدس و پاکی، مراتب و ویژگی‌های هریک تا حدودی تشریح شده است.

۵. برخی روایات بر برتری روح از مقرب‌ترین فرشتگان الهی، یعنی جبرئیل و میکائیل دلالت دارد: «خلق أعظم من خلق جبرئیل و میکائیل.» (بنگرید به: برقی، ۱۴۱۶: ۲ / ۳۱۴؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۲ / ۳۱۷؛ صفار، ۱۴۰۴: ۴۶۱ و ۴۶۴)

بهره‌مندان از روح‌القدس

در این زمینه دیدگاه واحدی وجود ندارد؛ اما روایات بسیاری در ذیل آیهٔ یازدهم سوره واقعه و با استناد به آن، به وجود ارواح متفاوت در گونه‌ها و گروه‌های مختلفِ انسانی اشاره کرده‌اند که به‌صورت کلی به آن اشاره شد؛ ازجمله درباره افراد و گروه خاصی که در آیه به «سابقون» معرفی شده‌اند، این عبارت ذکر شده است: «فالسابقون هم رسل الله و خاصة الله من خلقه جعل فیهم خمسة ارواح؛ سابقون، رسولان الهی و برگزیدگان از خلقش هستند که خدا در ایشان پنج روح قرار داده است.» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۲۷۱) چنین روحی متمایز با

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.6.2]

ارواح سائر انسان‌ها و روح‌القدس معرفی شده است: «أیدهم بروح القدس فبه عرفوا الأشیاء.» (همان)

در برخی دیگر از روایات، انبیای مرسل و غیرمرسل هر دو بهره‌مند از روح‌القدس معرفی شده‌اند و با تعبیر «جعل الله فیهم» (همان؛ صفار، ۱۴۰۴: ۴۴۹) به آن اشاره شده که با تفسیر روح‌القدس به ملک سازگار نمی‌باشد.

همچنین در روایتی، امیرالمؤمنین علیه السلام جبرئیل و تمامی ملائکه را بهره‌مند از روح‌القدس شمرده است. حضرت با اشاره به دو جایگاه «روح‌القدسی» و «روح من امری»، تمام انبیا و ملائکه و ائمه را بهره‌مند از یکی از این دو مقام یا هر دوی آنها دانسته‌اند:

> ان لله نهرا دون عرشه و دون النهر الذي دون عرشه نور نوّره و إنَّ في حافتي النّهر روحين مخلوقين، روح‌القدس و روح من امره، ما من نبي و لا ملك من بعده جبله إلّا نفخ فيه من إحدى الرّوحين. (کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۳۸۹؛ صفار، ۱۴۰۴: ۱۹ و ۴۴۶)
>
> از برای خداوند نهری در عرش است و در زیر آن نهری که زیر عرش است، نوری وجود دارد که آن را نورانی نموده است و در دو طرف آن نهر، دو روح مخلوق‌اند، روح‌القدس و روح من امره. هیچ نبی و ملکی بعد از او نیست، مگر آنکه در او یکی از دو روح دمیده شده است.

به‌علاوه در برخی دیگر از روایات، افراد یا گروه‌هایی غیر از انبیا و اوصیا و ملائکه به‌صورت مشروط بهره‌مند از روح‌القدس دانسته شده‌اند. (کلینی، ۱۳۶۵: ۸ / ۱۰۲؛ کشی، ۱۳۴۸: ۲۰۷) در روایات اهل‌سنت نیز تأیید حسان به بهره‌مندی از روح‌القدس بیان شده است. (بنگرید به: سیوطی، ۱۴۰۳: ۱ / ۸۷)

آثار بهره‌مندی از روح‌القدس

طرح روح‌القدس در روایات با مسئله روح‌الایمان پیوند خورده است؛ ازاین‌رو به‌اختصار به ویژگی‌های روح‌الایمان و ارتباط و تمایز این دو پرداخته می‌شود.

ظاهر آیهٔ «وَ أَیَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ» (مجادله / ۲۲) این معنا را افاده می‌کند که در مؤمنین به غیر از روح بشریت که در مؤمن و کافر هست، روحی دیگر وجود دارد که از آن حیاتی دیگر ناشی می‌شود و قدرت و شعوری جدید پدید می‌آید. آیات «أَوَ مَنْ کانَ مَیْتاً فَأَحْیَیْناهُ وَ جَعَلْنا لَهُ نُوراً یَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ کَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُماتِ لَیْسَ بِخارِجٍ مِنْها» (انعام / ۱۲۲) و «مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْ ذَکَرٍ أَوْ أُنْثی وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْیِیَنَّهُ حَیاةً طَیِّبَةً» (نحل / ۹۷) به همین معنا اشاره دارند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۱۹۸ ـ ۱۹۷) در این آیات از حیات جدید سخن گفته شده است. حیات فرع روح است و این روح که اثرش حیات جدید است، آن حقیقتی است که مؤمنین از آن بهره‌مندند. (بنگرید به: همان: ۱۳ / ۱۹۹) علامه معتقد است این روح یکی از مراتب روح انسانی است که تنها مؤمن، آن‌هم بعد از آنکه ایمان خود را به حد کمال رسانید، به آن مرتبه می‌رسد و هرگز از آن جدا نمی‌گردد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۱۹۹)

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.6.2]

براساس روایات، مؤمنین حقیقی دارای نیرو و روح ایمان هستند که به‌واسطه آن پروای از خدا در آنها ایجاد می‌گردد و خداوند عبادت و اطاعت می‌شود. (کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۲۷۲؛ صفار، ۱۴۰۴: ۴۵۴)

اما برای روح‌القدس که مرحله برتری از روح ایمان است، آثاری برتر و کامل‌تری در روایات و آیات ذکر شده است. ویژگی عام و مشترک برای دارندگان مقام روح‌القدسی، عصمت و دوری از لغزش و گناه کبیره است. ازاین‌رو در روایات آمده است کسی که روح‌القدس با او باشد، هرگز گناه کبیره نمی‌کند: «**و روح القدس من سکن فیه فإنه لا یعمل بکبیرة أبداً**» (صفار، ۱۴۰۴: ۴۴۷) پس خصوصیت عام و اساسی روحِ مورد بحث آن است که از خیانت و پلیدی‌های معنوی و معایب و امراضی که روح‌های انسانی آلوده به آنهاست، منزه می‌باشد.

در روایت ابی‌جمیلهٔ از محمد حلبی آمده است که امام صادق﵇ در تفسیر آیهٔ ۸۵ سوره اسراء فرمودند: «**إنما الروح خلق من خلقة له بصر و قوة و تأیید یجعله الله في قلوب الرسل و المؤمنین**؛ روح آفریده‌ای از آفریده‌هایش هست که چشم و نیرو و تأیید دارد؛ خدا آن را در قلب رسولان و مؤمنین قرار می‌دهد.» (همان: ۴۶۲) این روایت علاوه بر آنکه جایگاه روح را بیان می‌نماید و آن را مخلوقی از مخلوقات الهی می‌شمارد، شمول آن را فراتر از انبیا بیان می‌کند که این دلیلی بر وجود مراتب و کیفیات متفاوت در روح است؛ برخی از آنها اخص، برخی خاص و برخی امکان عمومیت دارند. همچنین تعبیرِ «**و انّ رسول اللهﷺ کان مسدداً موفقاً مؤیداً بروح القُدُس لا یزلّ و لا یخطئ في شيءٍ ممّا یوسوس به الخلق فتأدّب بآداب الله**؛ رسول خدا مسدد، موفق و مؤید به روح‌القدس بود؛ گمراهی و خطا در هر آنچه مخلوقات در آن دچار وسواس می‌شوند، در او راه نداشت؛ پس او مؤدب به آداب الهی بود.» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۲۶۶) آثار اخلاقی و رفتاری بهره‌مندی از روح‌القدس را بیان می‌کند و نشان می‌دهد که او تحول و سیطره‌ای بر روح انسان ایجاد می‌نماید؛ به‌حدی که او را جامع آداب و پذیرنده و عمل‌کنندهٔ به خواست الهی قرار می‌دهد؛ هرچند ملائکه ازنظر مقام و رتبهٔ قرب الهی یکسان نیستند و برخی طبق کلام الهی، آمر و برخی تنها مأمور هستند. در میان انبیا و اوصیا نیز طبق تصریح قرآن، به برخی برتری عطا شده است.

در تفاوت این روح مقدس با سائر امور گفته شده است: «روح‌القدس نمی‌خوابد، غفلت ندارد، لهو ندارد؛ اما چهار روح دیگر می‌خوابند و دچار غفلت و لهو می‌شوند.» نتیجهٔ تسدید، توفیق و تأییدی که روح‌القدس همراه خود دارد، نلغزیدن، به خطا نرفتن و مؤدب شدن به آداب الهی است که همهٔ اینها ریشه در معرفت و علم (همان: ۲ / ۲۸۱) و رؤیت حقایق (همان: ۱ / ۲۷۲) دارد. پس معرفت به امور و اشیا از لوازم و پیامدهای بهره‌مندی از روح‌القدس می‌باشد و نشان می‌دهد منشأ آن نتایج را باید در تعالی روحی جستجو نمود.

در ادامهٔ روایت اشباح نور که به آن اشاره رفت، آمده است: «**فَبِهِ کَانَ یَعْبُدُ اللَّهَ وَ عِتْرَتَهُ وَ لِذَلِكَ خَلَقَهُمْ خُلَمَاءَ عُلَمَاءَ بَرَرَةً أَصْفِیَاءَ یَعْبُدُونَ اللَّهَ بِالصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ السُّجُودِ وَ التَّسْبِیحِ وَ التَّهْلِیلِ وَ یُصَلُّونَ الصَّلَوَاتِ وَ یَحُجُّونَ وَ یَصُومُونَ**.» (همان: ۱ / ۴۴۲) «به» و «و لذلک» به روح‌القدس اشاره دارد و آثار آن را در صحنهٔ تجلی،

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.6.2]

اطاعت، حلم، علم، برگزیدگی و عبادت بیان می‌کند که این آثار نشان می‌دهد روح‌القدس رتبه‌ای است که آثار شناخت و بندگی حقیقی را برای فرد عطاشونده به ارمغان می‌آورد؛ همان‌گونه که روح ایمان ـ که مرتبه‌ای از تعالی روح از سطح حیوانیت است ـ اثر وحدانیت و عدم شرک (با درجات گوناگون آن) را نصیب انسان می‌نماید.

پیوند علم و روح‌القدس با عباراتی مانند «و بها علموا الأشیاء» روشن می‌گردد؛ همچنان‌که جایگاه ادراک و علم، روح دانسته شده است. به‌همین دلیل، یکی از نتایجِ داشتن روح مقدس الهی، بهره‌مندی از معرفت و علمی خاص و الهی است. در روایات بسیاری، امر علم امام﵇ برتر از خواندن کتاب و صُحف و روایت نمودن از یکدیگر دانسته شده است. ابوحمزه می‌گوید از امام صادق﵇ پرسیدم آیا عالم (امام) علم را از آنچه دیگران می‌گویند، بهره می‌گیرد یا کتابی نزد شماست که آن را می‌خوانید و به‌وسیلهٔ آن آگاه می‌شوید؟ امام به من فرمود: امر علم امام برتر است از آنچه تو گفتی. آیا نشنیده‌ای که خدا می‌فرماید: «و همین‌گونه روحی از امر خودمان به‌سوی تو وحی کردیم. تو نمی‌دانستی کتاب چیست و ایمان کدام است.» سپس فرمود: رفقایت دربارهٔ این آیه چه می‌گویند؟ آیا اقرار دارند که او در حالی بوده که نه می‌دانسته کتاب چیست و نه ایمان؟ گفتم نمی‌دانم. فرمود: آری زمانی این‌گونه بوده، تا آنگاه که ازجانب خدا روحی که آیه به آن اشاره دارد، فرستاده می‌شود؛ آن‌گاه که آن روح به او عطا می‌گردد؛ با آن می‌داند و می‌فهمد و این همان روحی است که خدا به هرکه بخواهد، عطا می‌کند و وقتی به کسی داد، به او فهم می‌آموزد. (همان: ۱ / ۲۷۳)

این تعابیر دلالت می‌کند که بحث علم امام تنها صرف انتقال و وساطت نیست؛ بلکه شهود و فهمِ همراه با آگاهی است که تعالی روحی ایشان آن را فراهم می‌کند؛ زیرا خاستگاه درک و فهم، روح و قلب است. (همان: ۱ / ۹۷؛ صدوق، ۱۴۰۱: ۱ / ۳۷۹؛ نهج‌البلاغه، ۴۹۵) بنابراین یکی از آثار بهره‌مندی امام از روح‌القدس، آگاهی گستردهٔ فراتر از خواندن و نوشتن می‌باشد که محدوده آن، آگاهی بر گذشته و آینده بیان شده است و این عامل مهمی در عصمت انبیا و ائمه نیز قلمداد می‌گردد؛ چراکه ریشه عصمت نیز به معرفت و علم باز می‌گردد. فرازهای «و روح‌القدس من سکن فیه فإنه لا یعمل بکبیرة أبداً» و«إنما الروح خلق من خلقة له بصر و قوة و تأیید» سکون روح‌القدس را عامل اجتناب دائم از کبائر و بصیرت و نیرو و تأیید را فرع روح بیان کرده‌اند.

شیخ مفید نیز در این زمینه معتقد است: روح حیاتی است که محل خود را شایسته قدرت و علم و اختیار می‌گرداند. (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۶۰) صاحب *المیزان* می‌نویسد «روح» مبدأ حیات است که قدرت و شعور از آن ناشی می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۱۹۷) انبیا در اعمالشان مؤید به روح‌القدس می‌باشند و به‌وسیله همین روح است که شرایع به آنان وحی می‌شود. (همان: ۱۸ / ۷۶)

آیهٔ ۱۱۰ از سورهٔ مبارکه مائده، هرچند دارای تفاسیر گوناگونی است، ظهور در آثار عملی روح‌القدس دارد؛

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.6.2]

چراکه تکلم در مهد و سایر معجزات را با تأیید به روح‌القدس بیان نموده است. درنتیجه آن روح علاوه بر آگاهی و عصمت، منشأ قدرت در اعطاشدگان نیز می‌باشد.

دلیل هفتمی که بر عدم ترادف روح‌القدس و جبرئیل بیان شد، شامل روایتی بود که به نقش روح‌القدس در بهره‌مندی از قدرت خارق‌العاده الهی اشاره داشت؛ به‌گونه‌ای‌که قدرت تصرف و غلبهٔ بر زمان و مکان را برای امام فراهم می‌آورد. اینکه علم، منشأ قدرت و فعل باشد، از داستان وصی سلیمان و انتقال تخت ملکه صبا به کاخ سلیمان برمی‌آید. خداوند در توصیف وی برای تحقق این عمل، عبارت «قال الذي عنده علم من الكتاب» (نحل / ۴۰) را به‌کار برده و عمل و قدرت وی را مستند به بهرهٔ علمی او از کتاب حقائق هستی دانسته است.

با مطالب گذشته، پاسخ بسیاری از پرسش‌ها روشن شد؛ پاسخ اینکه روح‌القدس امری واحد است یا مشترک، با تشبیه روح‌القدس به روح‌الایمان در روایات بیان شده است؛ یعنی همان‌گونه که روح ایمان را امری دارای مراتب می‌دانیم که هر فرد مؤمنی بهره‌ای از آن دارد و مرتبه‌ای را به خود اختصاص داده، روح‌القدس نیز حقیقتی است که شامل مراتب و منازل گوناگونی می‌باشد و تجلی آن در هر شخصی به فراخور حال او می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که جریان فیض ویژه خداوندی را نیازمند این حقیقت و وجود نموده است. به‌عبارت روشن‌تر، روح‌القدس خود عنوانی همانند انسان و ایمان است که افراد و مصادیق و حقایق بسیاری را در خود جای داده که وجه مشترک آنها (قداست و پاکی متعالی ایمان و عمل ایشان) برای آن حقایق و موجودات، عنوان جامعی را فراهم نموده است. پس عنوان روح‌القدس اشاره به جایگاهی دارد که حاکی از حقیقتی در عالم وجود و خلق می‌باشد و این حقیقت که می‌توان آن را نیرو و توانی غیبی دانست، می‌تواند امکان تحقق امور گوناگون و ویژه و آثاری الهی را به ارمغان آورد که خود این آثار، بهترین دلیل بر وجود و حقیقت آن می‌باشد.

روح‌القدس خاص در پیامبر و ائمه علیهم‌السلام

برخی روایات بر برتری روح از مقرب‌ترین فرشتگان الهی (جبرئیل و میکائیل) دلالت دارند. (بنگرید به: برقی، ۱۴۱۶: ۳۱۴؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۱۷؛ حسینی استرابادی، ۱۴۱۷: ۵۳۶؛ صفار، ۱۴۰۴: ۴۶۱ و ۴۶۴) شماری از روایات علاوه بر بیان این مطلب، بر اختصاصی بودن این روح به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه اطهار علیهم‌السلام تأکید دارند.

وجه جمع میان این دسته از روایات و روایات دیگر، ما را به مقام و منزلت ویژهٔ پیامبر و اهل‌بیت رهنمون می‌شود. این روایت از وجود تشکیک در مقام روح‌القدسی حکایت دارد؛ زیرا طبق تصریح قرآن و روایات دیگر، همهٔ انبیا و ملائکه از روح‌القدس بهره‌مند هستند و پیامبر و ائمه دارای مراتب بالای این حقیقت هستند. (بنگرید به: مازندرانی، بی‌تا: ۶ / ۶۹)

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.6.2]

مؤید این سخن، توضیح علامه مجلسی در ذیل روایت است که با اشاره به دلالت آن بر اختصاصی بودن روح به پیامبر اکرمﷺ و ائمه‌ﷺ آن را منافی با روایاتی می‌داند که روح‌القدس را برای تمامی انبیا برمی‌شمارد. این بیان دلالت می‌کند که در انبیا نیز روح‌القدس وجود داشته است؛ ایشان پس از این مقایسه، دو راه‌حل برای جمع روایات بیان نموده است. دومین دیدگاه مطرح‌شده، پذیرش روح‌القدس به‌منزله نوعی است که در ذیل خود، افراد و مصادیق گوناگونی را دربر می‌گیرد.

افزون بر این در برخی روایات، روح مخصوص پیامبر و ائمه با تعبیر «روحاً من امرنا» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱ / ۲۷۳؛ صفار، ۱۴۰۴: ۴۵۸) و «روح من أمره» (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۸۹؛ صفار، ۱۴۰۴: ۱۹ / ۴۴۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۵ / ۴۹) توصیف شده است.

فیض کاشانی نیز روح مخصوص پیامبرﷺ و ائمه‌ﷺ را غیر از روح‌القدس معرفی می‌کند؛ اما احتمال ذومراتب بودن روح‌القدس را نیز مطرح می‌نماید:

> ظاهراً مراد از این روح، غیر از روح‌القدس است و این دو یک امر نیستند؛ زیرا روح‌القدس از ایشان مفارقت ندارد؛ همانند دیگر ارواح که مفارقتی از ایشان ندارد؛ ولی این روح گاه از ایشان جدا می‌شود، همچنان که جمله «لیس کلما طلب وجد» بر آن دلالت می‌کند؛ مگر آنکه بگوییم روح‌القدس در ایشان به مقام و درجهٔ روح می‌رسد و با آن در برخی از اوقات متحد می‌گردد و جایگزین آن می‌شود. (۱۴۰۶: ۳ / ۶۳۰)

هرچند به‌نظر می‌رسد دلیل مغایرت این دو روح در کلام وی منافاتی با یک نوع دانستن و از یک امر بودن آنها ندارد، امکان مفارقت و الحاق در مراتب بالاتر وجود دارد؛ همچنان که برخی روایات به این جدایی و اتصال اشاره می‌کنند.

ذکر این نکته در پایان ضروری است که با توجه به مطالب پیش‌گفته و نیز روایاتی که مجاری علم امام را جامعه، صحف و کتب، عمود نور، الف باب، تحدیث و نکت و نقر و الهام، قرآن و اسم اعظم دانسته‌اند (بنگرید به: شاکر، ۱۳۹۰: ۱۱۴ ـ ۵) نباید روح‌القدس را مجرایی در کنار سائر منابع و مجاری علم امام و پیامبر دانست؛ بلکه روح‌القدس مقدمه و منشأ تحققِ علم و درنتیجه عصمت و قدرت می‌باشد. (همان: ۲۰)

عباراتی مانند: «وَ يَتَلَقَّانَا بِهِ رُوحُ القُدُسِ؛ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْنَا الشَّيْ ءُ الَّذِي لَيْسَ عِنْدَنَا تَلَقَّانَا بِهِ رُوحُ القُدُسِ؛ فَإِنْ أَعْيَانَا شَيْءٌ تَلَقَّانَا بِهِ رُوحُ القُدُسِ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۹۸؛ صفار، ۱۴۰۴: ۴۵۲) ازآن‌روست که ائمه اطهار حکم خود را مطابق حکم خدا و رسول می‌دانند؛ درحالی‌که آن را از روح‌القدس تلقی می‌کنند؛ چراکه کمیت و کیفیت بهره‌مندی ایشان از حکم خدا و رسول نیز به‌واسطهٔ بهره‌مندی از روح‌القدس امکان‌پذیر شده است: «فَبِرُوحِ القُدُسِ يَا جَابِرُ عَرَفُوا مَا تَحْتَ العَرْشِ إِلَى مَا تَحْتَ الثَّرَى». (کلینی، ۱۳۶۵: ۲۷۲؛ صفار، ۱۴۰۴: ۴۴۷) این تعابیر نشانهٔ این است که امام علم خود را از جانب خدا دریافت می‌کند، نه از نزد خودش و به دلخواه خویش:

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.6.2]

«یَتَلَقَّانَا بِهِ رُوحُ القُدُسِ»؛ چراکه مقام روح‌القدسی ازجانب خدا و برای عده‌ای خاص با هدفی مشخص در نظر گرفته شده است: «فروح القدس من الله.» (صفار، ۱۴۰۴: ۴۵۴)

نتیجه

یکی از رموز باورهای دینی در متون اسلامی و کتاب مقدس مسئله روح است. روح‌القدس یکی از اعتقادهایی است که در کتاب مقدس، قرآن و روایات بدان پرداخته شده است.

تطبیق کلی و همیشگی روح‌القدس بر ملک یا نبی یا امام صحیح نمی‌باشد؛ بلکه ـ همان‌گونه که برخی روایات تصریح دارند ـ روح‌القدس عنوانی گسترده و جامع یا به‌تعبیری نیروی غیبی و مرموز الهی است که مرتبه‌ای بلند از مقام روحی و معنوی را برای دارنده خود حکایت می‌کند و دلیل بر قرب بسیار به پروردگار می‌باشد. در روایات، خود جبرئیل و حتی سایر ملائکه، بهره‌مند از آن معرفی شده‌اند؛ همان‌طور که انبیا و اوصیا نیز بهره‌مند از این فضیلت و جایگاه معرفی گردیده‌اند. مقامی که شیطان، حتی در خواب نیز امکان رخنه و ضربه به صاحب آن را ندارد و غفلت و سرگرمی و دوری از خدا، از دارندهٔ آن رخ برمی‌بندد. ازهمین‌رو تمام حرکات، افعال و گفتار فرد واجد روح‌القدس، الگویی برای خواستاران هدایت و نزدیکی به خداوند می‌شود.

در مورد بهره‌مندی غیر انبیا و اولیا و ملائکه از روح‌القدس باید گفت که اوج روحی و صفای باطنی ایجادشده در برخی افراد، ایشان را به مرحلهٔ عصمت در رفتار یا گفتار ـ هرچند ازلحاظ زمانی محدود ـ نزدیک می‌نماید؛ همان امری که به‌سبب ثابت بودن مقام روح‌القدسی برگزیدگان الهی، ایشان را به‌صورت دائمی از عصمت و نزاهت بهره‌مند می‌نماید.

یکی از کارکردهای روح‌القدس، نقش بی‌بدیل آن در علم امام است و امام معصوم به‌واسطه آن از علوم آینده و اخبار غیبی آگاه است. گرچه ممکن است غیر از پیامبران و امامان معصوم، افراد دیگری هم مؤید به روح‌القدس باشند، کامل‌ترین تقرّر آن درباره پیامبر و امام می‌باشد. همان‌گونه که آن روح در انبیا به یک درجه نیست و دارای مراتب است، در انسان‌های عادی نیز همین‌گونه می‌باشد و هرگز آنها را هم‌تراز با پیامبر و امام قرار نمی‌دهد. به‌عبارتی‌دیگر، روح قدسی مرتبه و امر جامع است که تمام برگزیدگان الهی از ملائکه و انسان را دربر می‌گیرد و همان‌گونه که «روح من أمره»، یک مقام و منزلتی الهی است و اندیشمندان آن را مخلوقی از جنس یا در جنب ملک، انس و جن نمی‌دانند، روح‌القدس نیز مرتبه‌ای از برگزیدگی الهی است که شامل درجات فراوانی می‌باشد و استعمال آن به‌جای جبرئیل یا روح پیامبر و امام از باب اطلاق کل بر جزء است که در عربی شایع می‌باشد.

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.6.2]

منابع و مآخذ

۱. *قرآن کریم*.

۲. *نهج‌البلاغه*، ۱۳٦۵، گردآوری: شریف رضی، تهران، مرکز نشر آثار فیض الاسلام.

۳. آلوسی، سید محمود، ۱٤۱۵ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق: علی عبدالباری عطیة، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولی.

٤. ابن‌فارس، ابوالحسن احمد، ۱٤۰٤ق، *معجم مقائیس اللغة*، بی‌جا، مکتب الاعلام الاسلامی.

۵. ابن‌منظور، جمال‌الدین، ۱٤۱۰ق، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر، الطبعة الثانیه.

٦. بحرانی، سید هاشم، ۱٤۱٦ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، بنیاد بعثت، چاپ اول.

۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱٤۱٦ق، *محاسن*، ج ۲، تحقیق: سید مهدی روحانی، قم، مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام.

۸. حبیب، صموئیل، ۱۹۹۰م، فایز فارسی ـ منیس عبدالنور و جوزیف صابر، *دائرة المعارف الکتابیه*، قاهره، دارالثقافه.

۹. حرّانی، حسن بن شعبه، ۱۳٦۳، *تحف العقول*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.

۱۰. حسینی استرابادی، سید شرف‌الدین علی، ۱٤۱۷ق، *تأویل الآیات الظاهرة*، ج ۲، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.

۱۱. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱٤۰۸ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر محمدمهدی ناصح، مشهد بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

۱۲. رازی، فخرالدین ابوعبدالله محمد بن عمر، ۱٤۲۰ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم.

۱۳. زمخشری، ابوالقاسم محمد بن عمر، ۱٤۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دارالکتب العربی.

۱٤. سیوطی، جلال‌الدین، ۱٤۰۳ق، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، بیروت، دار صادر.

۱۵. شاکر اشتیجه، محمد تقی، ۱۳۹۰ش، *منابع علم امام علیه‌السلام و شبهات پیرامون آن*، قم، دارالحدیث.

۱٦. شیخ صدوق، ۱٤۰۱ق، *من لا یحضره الفقیه*، بیروت، دارالتعارف.

۱۷. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، ۱٤۰٤ق، *بصائر الدرجات*، قم، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی.

۱۸. طباطبایی سید محمدحسین، ۱٤۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: با مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو.

۲۰. طوسی، محمد بن حسن، ۱٤۱۹ق، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: با مقدمه شیخ آغابزرگ تهرانی و تحقیق احمدقصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.6.2]

۲۱. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱٤۱۵ق، *تفسیر نورالثقلین*، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم.

۲۲. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰، *تفسیر العیاشی*، ۲جلد، تهران، چاپخانه علمیه تهران.

۲۳. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱٤۲۹ق، *القاموس المحیط*، بیروت، دارالمعرفة.

۲٤. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱٤۰٦ق، *الوافی فی شرح اصول الکافی*، اصفهان، مکتبة الامام امیرالمؤمنین علیه السلام.

۲۵. ــــــــــ، ۱٤۱۵ق، *تفسیر الصافی*، تحقیق: حسین اعلمی، تهران، انتشارات الصدر، چاپ دوم.

۲٦. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳٦۷، *تفسیر قمی*، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب، چاپ چهارم.

۲۷. *کتاب مقدس*، ۱۹۸۹م، بیروت، دارالمشرق.

۲۸. کشی، محمد بن عمر، ۱۳٤۸، *رجال الکشی*، ۱ جلد، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد.

۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳٦۵، *اصول کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیة.

۳۰. لاهیجی، محمد بن علی، ۱۳۷۳، *تفسیر شریف لاهیجی*، تحقیق: میر جلال‌الدین حسینی ارموی (محدث)، تهران، دفتر نشر داد، چاپ اول.

۳۱. مازندرانی، ملاصالح، بی‌تا، *شرح اصول کافی*، با تعلیقات ابوالحسن شعرانی، تهران، مکتبة الاسلامیه.

۳۲. مجلسی، محمدباقر، ۱٤۰٤ق، *بحارالأنوار*، لبنان، مؤسسة الوفاء بیروت.

۳۳. مغنیه، محمدجواد، ۱۹۹۰م، *التفسیر الکاشف*، بیروت، دارالعلم للملایین، الطبعة الرابعه.

۳٤. مفید، محمد بن نعمان، ۱٤۱۳ق، *المسائل السرویة*، قم، کنگره شیخ مفید.

۳۵. ــــــــــ، ۱٤۱٤ق، *الارشاد*، بیروت، دارالمفید.

۳٦. هاکس، مستر، ۱۳۷۷، *قاموس کتاب مقدس*، تهران، انتشارات اساطیر.

[Downloaded from andishe.maaref.ac.ir on 2026-11-12]

[DOR: 20.1001.1.20089481.1391.8.30.6.2]